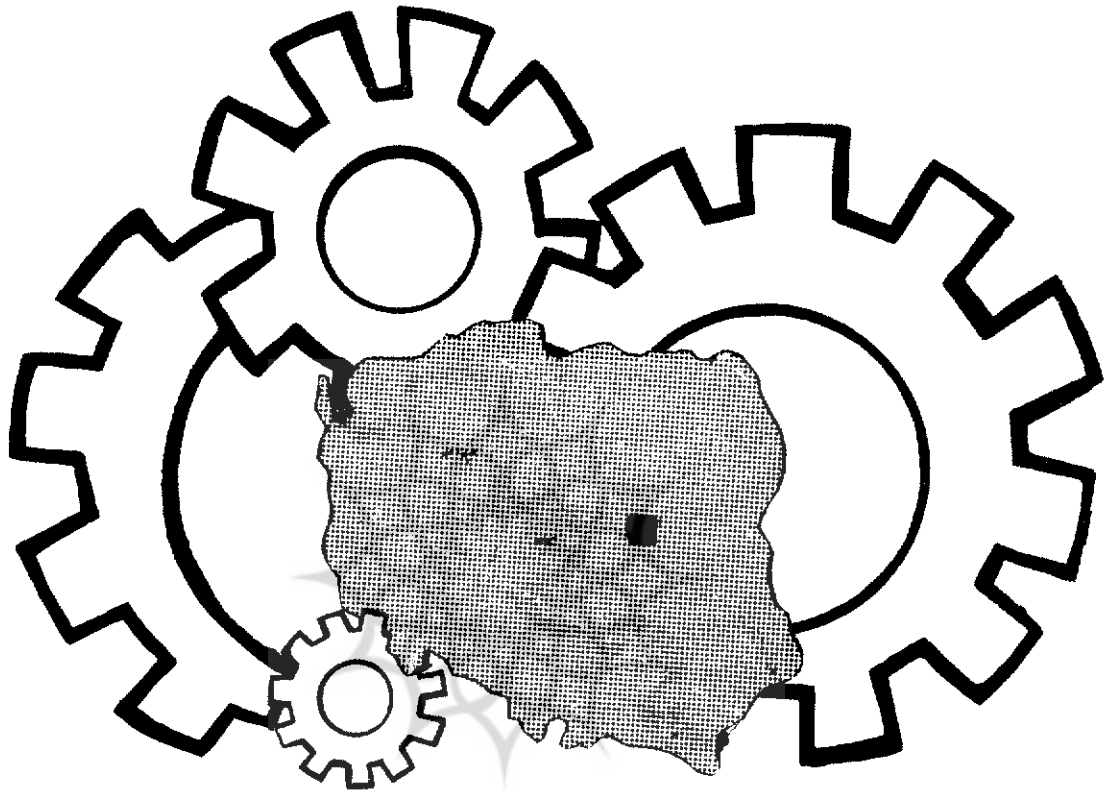


اصلاحات اقتصادی در لهستان

از: مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی اتاق



طبق پیشبینی در سال جاری به ۳۰ درصد خواهد رسید .

سرمایه‌گذاری خارجی نیز چشمگیر بوده است: در سال ۱۹۹۲، لهستان تنها چندین قرارداد مشترک بزرگ از جمله برای یک معامله ۲ میلیارد دلاری با فیات امضاء کردند. لهستان با توجه به تجزیه چک و اسلواکی و ورود ارز خارجی فراوان به مجارستان، با جمعیت بیشتر و بازار بزرگتر خود در نظر مشاوران و سرمایه‌گذاران بالقوه از جذابیت خاصی برخوردار است .

اگر چه هنوز امکان فاجعه وجود دارد، ولی لهستان ظاهراً "دوره" دشوار را پشت سر گذاشته است . همسایگان این کشور باید از تجربه‌های

لطیفه می‌سازند .

چهره جدید خیابانهای بزرگ شهر همراه با آمار اخیر نشان می‌دهد که رکود اقتصادی این کشور روبه پایان است . تولید ناخالص داخلی واقعی لهستان بین ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ تا ۱۱/۵ درصد کاهش یافت . ولی تا سه ماهه سوم سال ۱۹۹۲، تولید صنعتی نسبت به ۱۲ ماه قبل ۱۰ درصد، صادرات تا ۱۲ درصد و مازاد تجاری در ۶ ماه نخست سال یک میلیارد دلار افزایش پیدا کرد .

تمام این افزایشها عمدتاً "به خاطر بالا رفتن فروش تولیدات به اروپای غربی بود . تورم سالانه که در سال ۱۹۹۰ به ۶۰ درصد رسیده بود، در سال ۱۹۹۲ به ۴۵ درصد کاهش یافت و

تلاشهای لهستان برای تجدید ساختار اقتصاد خود در شرف به ثمر رسیدن است . در این مقاله به چگونگی این تلاشها که می‌تواند الگویی برای سایر کشورهای کمونیستی سابق به شمار آید می‌پردازیم .

در خیابانهای ورشو، پایتخت لهستان، به جای فروشگاههای خالی، کیوسکهای نورانی به چشم می‌خورد که در آنها انواع اجناس، از مجله‌های لهستانی تا شکلات آمریکایی، را می‌فروشند . لهستانها، دهها سال پس از خرید اجباری یک نوع خمیر دندان و پودر لباسشویی، اکنون درباره آکهیهای گوناگون تلویزیونی

آن درس بگیرند ، البته نه به این خاطر که اصلاحات اقتصادی بدرستی انجام شده باشد (که چنین نشده است) بلکه برعکس به این دلیل که انجام اصلاحات در کشوری صورت گرفته که سیاستمداران آن بسیار ضعیف بودند. بیشتر کارهای انجام شده مطابق با برنامه نبود ، بلکه با سرهم بندی و به طور خودبه خود موجب پیشرفت اصلاحات شده است ، درست به همان دقتی که برنامه ریزی صورت گرفته باشد .

دولت ضعیف

یکی از ارثیه های کمونیسم در لهستان ، شکل افراطی سیستم انتخاب نماینده بر حسب جمعیت (۱) است . نتیجه چنین شد که دو سال پس از شوک درمانی اقتصادی ، چهار دولت و به همین تعداد وزیر دارایی تعویض شدند . گروه بندی های پارلمانی کار تصویب انبوه قوانین لازم را یاب به تأخیر انداخت و یا به طور کلی با شکست روبه رو کرد . شماری از وزیران صنعت در مورد خصوصی سازی تردید داشتند . در همین زمینه ، یکی از وزیران به رشوه گیری و فساد متهم شد . انرژی های سیاسی برای مبارزه با کنترل نیروهای مسلح و افشای هویت خهرچیان سابق پلیس به هدر رفته است . در طول سال گذشته ، دوندخت وزیر مجبور شدند بیشتر وقت خود را صرف ایجاد اتحاد بین گروه های مخالف کنند .

اگر موفقیت اصلاحات به تصمیم گیری در مرکز وابسته می بود ، با شکست روبرو می شد . خوشبختانه چنین نبود . ولی دولت مرکزی در مورد ایجاد شرایط اقتصادی کلان پایه برای سرمایه گذاری و رشد تصمیم قطعی گرفت .

طرح با سروویج ، نخستین وزیر دارایی پس از رژیم کمونیستی لهستان ، که یک برنامه ای برای تثبیت با استاندارد صندوق بین المللی پول (IMF) به شامری آمد ، از طریق برقراری نرخ مبادله ثابت (۲) و شاخص گذاری دستمزدها (۳) (افزایش دستمزدها با توجه به

افزایش قیمتها) به نحو مناسبی انجام شد . البته سرعت و گستره این طرح متفاوت بود . تاکنون هیچ برنامه ای مانند این یک ، در کشوری کاملاً " زیر کنترل دولت انجام نشده است - ولی ماهیت آن با برنامه های تثبیت اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین و جاهای دیگر تفاوتی نداشت .

با این حال ، اصلاحات اقتصادی کلان بر تمام بخشهای اقتصاد به یک شکل اثر نکرد . اگرچه این اصلاحات موجب شد تا فرصتهای جدیدی برای واحدهای خصوصی کوچک پدید آید ، ولی عرصه را برای واحدهای بزرگ دولتی بسیار تنگ کرد . در نتیجه اقتصاد به دو بخش تقسیم شد : بخش خصوصی زود رشد کننده ، و صنایع دولتی بیمار .

در آغاز کار ، ابزار واکنش سریع برای بسیاری از شرکت های دولتی نسبت به شرایط در حال تغییر دشوار بود . این شرکتها در رویارویی با قطع ناگهانی سوبسیدها در آغاز سال ۱۹۹۰ ، به جای کاهش هزینه ، قیمتها را افزایش و تولید را کاهش دادند . همین کار موجب شد تا تورم بیش از حدی که انتظار می رفت افزایش پیدا کند . بعداً ، وقتی که کمبود موجب کاهش فروش شد ، بسیاری از پرداختها به تأخیر افتاد . در نتیجه ، بدهی میان شرکتها روبه فزونی گذاشت . با این حال ، حتی در آن موقع هم کاهش هزینه برای واحدها دشوار بود . برای برخی مدیران تصمیم به اخراج کارگران ، به پیروی از سنتهای گذشته و بیم از پیامد آن ، آسان نبود . در همان حال ، مالیات بر شرکت های دولتی در حد بالا باقی ماند و مقررات بهرورکراتیک (اداری) سنگین بود .

فروپاشی ناگهانی کومکون همراه با اتحاد دو آلمان به بسیاری از شرکت های بزرگ دولتی ، بویژه کارخانه های اسلحه سازی و صنایع سنگین که بیشترشان به خاطر بازار کومکون به وجود آمده بودند ، سخت آسیب رساند . افزایش قیمت نفت نیز که با جنگ خلیج (فارس) در ارتباط

بود موجب آسیب شدید به بسیاری از واحدهای بزرگ دولتی شد . این شرکتها به دلیل مصرف سوخت زیاد نسبت به واحدهای خصوصی یا کوچک ، ولخرجتر بودند .

برخی شرکت های دولتی از مدیران لایقی برخوردار بودند . آنهایی که معاسلات خود را سرعت از شوری به بازارهای غربی تغییر مسیر دادند موفق شدند . ولی تعدیل برای صنایعی که چرخش آنها در جهان بسته کمونیستی به سوبسید وابسته بود ، بسیار دشوارتر بود . اگر چه وضعیت اقتصادی در سال ۱۹۹۲ به طور کل بهتر بود ، ولی برای مثال تولید فولاد در پاییز گذشته نسبت به سال ۱۹۹۱ تا ۲۳ درصد و لوازم الکترونیکی تا ۲۱ درصد کاهش داشت .

در این بین ، کارآفرینان خصوصی رشد کردند . واحدهای تولیدی خصوصی کوچک و فروشگاهها از دوران حکومت کمونیستی گرچه با محدودیتهای بسیار اجازه فعالیت یافته بودند . آنها دریافتند که تطبیق با شرایط اقتصادی رو به تغییر آسانتر است . و دیگر به معامله با اتحاد شوروی سابق ، یا انرژی ارزان متکی نبودند . همچنین دیگر نیروی کار غیرمولد و بزرگ ویژگی آنها را تشکیل نمی داد .

مهمتر اینکه ، شرکت های خصوصی ، که شرایط را پذیرفتند ، از فضای بازرگانی کاملاً متفاوتی نسبت به آنچه شرکت های بزرگ دولتی با آن روبرو بودند برخوردار شدند . با توجه به متلاشی شدن دولت و ضعف مدیریت ، واحدهای خصوصی می توانستند از پرداخت مالیات و اجرای مقررات شانه خالی کنند . از آنجا که بهرورکراسی دست آنها را باز گذاشته بود می توانستند از باز شدن مرزهای آزاد بهره مند شوند . هرکس با داشتن چند وانت می توانست به صورت واردکننده یا صادرکننده درآید و اداره مالیات آخریمن سازمانی بود که متوجه می شد .

رشد این بخش سرمایه ای کنترل نشده ، تأثیر بزرگی بر اقتصاد لهستان داشته است . تا کنون ۱۶۰۰۰۰ واحد خصوصی غیرکشاورزی وجود داشته است که از این تعداد در حدود ۵۵۰۰۰

واحد درهم ادغام شدند (این ادغامها ظرف ۲ سال از ۱۵۰۰۰ واحد شروع شده بود) ، تعداد شرکتهای دولتی در حدود ۸۰۰۰ واحد است . یک چهارم واحدهای تولیدی ، افزون بر ۷۰-۸۰ درصد از واحدهای ساختمانی ، ۳۵ درصد از شرکتهای صادراتی و ۵۵ درصد از شرکتهای وارداتی در اختیار بخش خصوصی است . انتشارات کتاب و روزنامه تقریباً " به طور کامل خصوصی است ، همچنین است رستورانها و فروشگاهها . روی هم رفته ، در حدود ۵۵ تا ۶۰ درصد از لهستانیها هم اینک در بخش خصوصی کار می کنند که تقریباً " نیمی از تولید ناخالص داخلی را تأمین می کند .

جامعه ای دو طبقه

رکود ناشی از اقتصاد دولتی و پیدایش غیرمنظره بخشی خصوصی ، جامعه را به دو دسته تقسیم کرد : بهرمندان از اصلاحات و زباندیدگان از آن .

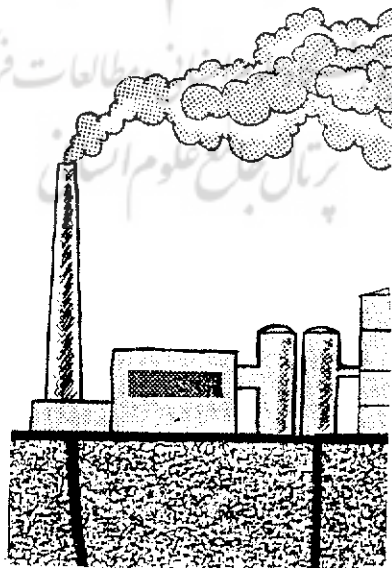
در ابتدای کار ، تصور وجود این دو دسته دشوار بود . در ۹ ماه نخست اجرای اصلاحات لهستانیها با قبول سقوط استانداردهای زندگی به بهای آزادی سیاسی سکوت اختیار کردند . ولی با آغاز مبارزه انتخابات ریاست جمهوری در سپتامبر ۱۹۹۰ که قرار بود پایان همان سال برگزار شود ، خشم و انزجار و اعتراضهای مردم شروع شد .

بخشی از این اعتراضها را - که عمدتاً در طول مبارزه انتخابات پارلمان در اوایل سال ۱۹۹۱ نمایان شد - سیاستمداران به طور مصنوعی دامن زدند ، بخشی نیز ناشی از سقوط استانداردهای زندگی بود که سالها در وضعیت نابسامانی قرار داشت . به موجب آمار رسمی ، دستمزدهای واقعی در سال ۱۹۹۰ تا ۲۴ درصد کاهش یافت ، اگر این رقم درست باشد - که بسیاری از اقتصاددانان در این باره تردید دارند - احتمالاً " تاحدی بیانگر نخستین کاربست اقداماتی است که تحت تأثیر تبلیغات قرار

نگرفته بود . ولی یقیناً " سقوطی شدید وجود داشته است .

در سال ۱۹۹۱ ، که وضع عادیتر بود ، میانگین رشد درآمد ۷۵ درصد و تورم ۷۰ درصد بود . ولی این میانگین عمومیت نداشت . و آنهایی که از این بابت بسختی آسیب دیده بودند ناراضیاتی خود را آشکار کردند . به قول بالسر ویچ ، این حالت بیشتر تحت تأثیر تحولات وضعیت اقتصادی است تا کاهش واقعی استانداردهای زندگی : " فرصت برای پیشرفت ، درخشان بود ولی شانس مردم برای استفاده از این فرصتها یکسان نبود . طبقه بندی اجتماعی و همچنین چشم و همچشمیها با سرعت افزایش می یافت .

کارگران عادی صنایع دولتی ، که زمانی مورد توجه قرار داشتند ، به ناگهان متوجه شدند که مسبب این وقایع شناخته شده اند . برای مثال ، معدنکاران جزو پیشاهنگان طبقه کارگر در اقتصاد کمونیستی مبتنی بر زغال سنگ لهستان به شمار



می آمدند . حقوقشان بیشتر از سایر کارگران بود و با ستایش و برگزاری مراسم رژه و تعطیلات ویژه ، مورد تملق قرار می گرفتند . حتی جنبش اتحادیه سندیکایی همبستگی نقش مهمی برای آنها قائل شد . ولی پس از اصلاحات اقتصادی ، این کارگران هم از لحاظ درآمد و هم موقعیت اجتماعی در پایینترین رده قرار گرفتند . آنها از این سقوط ناگهانی بیش از دیگران خشمگین شدند . در دسامبر گذشته ، معدنکاران ناحیه سیلزی اعتصابی فراگیر و درازمدت را آغاز کردند .

در مقابل ، بازرگانان لهستانی موفقیت چشمگیری داشتند . لهستانیها برخلاف سایر مردم اروپای شرقی سالها بود که می توانستند سفر کنند و در دهه ۱۹۸۰ ، بازرگانان این کشور آزادانه به اکثر نقاط از جمله چک و اسلواکی ، مجارستان ، ترکیه ، یونان و اتحاد شوروی رفت و آمد داشتند . برخی از آنها در تعطیلات و دیگران در تمام مدت در سفرهای تجاری بودند . البته همیشه مورد استقبال قرار نمی گرفتند : نمایشگاه لهستان در برلین بدمنظره شناخته و تعطیل شد . ولی نسل کاملی از لهستانیها با ایستادن پشت میزهای چوبی در استادیومها و میدانها و عرضه اسباب بازیهای پلاستیکی و لباسهای جین ارزانقیمت به فراگیری نیروهای بازار پرداختند . و زمانی که امکانات بیشتر فراهم شد ، این گونه افراد که مقداری سرمایه داشتند ، مایل بودند آن را در جریان خصوصی سازی واحدهای کوچک مانند فروش فروشگاهها ، رستورانها و واحدهای کوچک تولیدی به ریسک بگذارند .

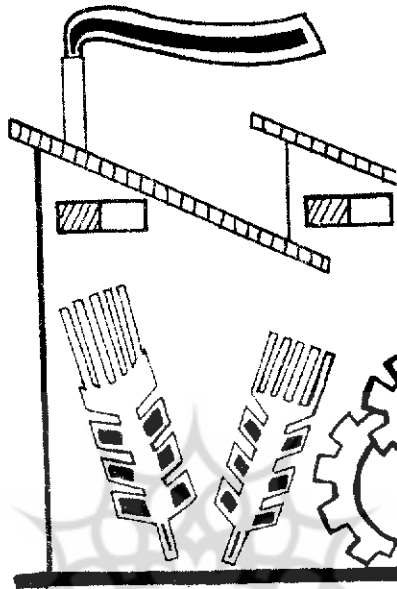
خودداری از تصمیمات ناخوشایند

تحولات اجتماعی ، بروز تحولات سیاسی را اجتناب ناپذیر می کند . تقسیم مردم به دودسته برنده و بازنده بر سیاستمداران نیز تأثیر گذاشت . هر دو جناح راست و چپ شروع به

جدید ، چندین شرکت مرکزی بزرگ به وجود آمد که هر یک به وسیله مدیران غربی با تجربه اداره می شد . به هرلستانی یک سند هزینه (Voucher) داده می شود که می تواند آن را در یکی از شرکت های مرکزی سرمایه گذاری کند . این شرکتها نیز از سندهای هزینه برای خرید سهام ۶۰۰ شرکت بزرگ دولتی که خصوصی سازی آنها دشوار است استفاده خواهند کرد . ولی این طرح ، به رغم استقبال اولیه ، ماهمادار وزارت خصوصی سازی و پارلمان در انتظار تصویب بود . ترس از مخالفت سیاسی موجب شد تا خصوصی سازی انبوه از همان آغاز کار ضربه بخورد .

در این شرایط ، خصوصی سازی شروع شد ولی نه به شیوه ای که طرفداران اصلاحات محض و مشاوران غربی در نظر داشتند . خصوصی سازی از طریق تصفیه و تبدیل به نقد کردن ، خرید سهام کارگر یا کارفرما و سرمایه گذاری مشترک بسیار سریعتر و موفقتر بوده است . این اقدامات می توانست به وسیله مقامات محلی انجام گیرد و در نتیجه بسیار کمتر تحت تأثیر تخیلات سیاست لهستان قرار می گرفت . تا پایان سال ۱۹۹۲ ، در حدود ۱۵۰۰ شرکت بدین ترتیب خصوصی شدند یا در جریان خصوصی سازی بودند و تمام این کارها جدا از مشاجرات وزرای ورشو صورت می گرفت .

این نوع خصوصی سازی احتمالاً " سریعتر از آنچه آمار نشان می دهد پیشرفت دارد . جان وینسکی ، رئیس لهستانی بانک اروپایی سازی و توسعه می گوید بسیاری از شرکت های دولتی ، برای جلوگیری از ورشکستگی ، فروش دارایی های خود را به شرکت های خصوصی آغاز کردند . در پایان ، بسیاری از این شرکت های دولتی ممکن است قدرت خود را از دست بدهند و تنها به صورت ساختمان های اداری خالی درآیند . در واقع ، آنها نیز خصوصی خواهند شد . طبق نظر اشخاص خوشبین ، بخش خصوصی موفق در نهایت با این شیوه شرکت های دولتی



تبلیغات زیاد در سال ۱۹۹۱ به مردم عرضه شد ، یک شرکت ساختمانی به نام اکسبود (Exbud) موفقیت فراوانی به دست آورد ، عملکرد دوشرکت خوب بود ولی نه چشمگیری و دوشرکت دیگر با ناکامی روبرو شدند .

این نوع خصوصی سازی ، نوساداری نبود که برخی انتظار داشتند . فروش آنها که با مشورت فراگیر غرب انجام شده بود (و بیشتر هزینه آنها از خارج تأمین شده و بسیار زیاد بود) ، نتوانست شرکت های مزبور را از دست مدیریت ضعیف یا مشکلات ساختاری نجات دهد . و در ضمن مشکل استفاده از فروش سهام ظاهرآ سنگینتر از منافع آن بود . پیچیدگی این فرایند - یعنی ارزیابی ، آماده سازی و تشویق - موجب شد تا اداره به بیش از چند شرکت از این قبیل در آن زمان غیرممکن شود .

از آنجا که این شیوه بیش از اندازه کند بود ، دولت لهستان در سال ۱۹۹۱ با کمک مشاوران غربی کار روی برنامه خصوصی سازی انبوه را با شیوه های دیگر آغاز کرد . با اجرای برنامه

بهره برداری از شعارهای مردم پسند و ضد سرمایه داری کردند تا کارکنان ناراضی واحدهای دولتی را به گروه خود جذب کنند . در نتیجه ، دولت ها نیز مجبور بودند به نحوی با این شعارها روبرو شوند . بیشتر آنها این کار را با خودداری از تصمیم گیری های نامناسب انجام دادند .

بدین ترتیب ، در حالی که کنترل های پولی ، کم و بیش ، اجرا می شد ، افزایش قیمت انرژی تا سطح جهانی چندین بار به تأخیر افتاد ، و اجاره بها که گرچه افزایش داشت - هنوز پایین بود به بخش مسکن آسیب می رساند . اصلاحات صنایع زغال سنگ و فولاد نیز به تعویق افتاد . مهمترین اینک ، تصمیم های دشوار مربوط به تعطیل کردن ، خصوصی سازی یا شیوه های ادامه مدیریت شرکت های دولتی گرفته نشد .

برای طرفداران بازار آزاد ، خصوصی سازی سریع و فراگیر تنها راه حل آشکار برای صنایع دولتی به شمار می آمد . راه حل افراد محتاطتر که به اعتراض کارگران دولتی توجه می کردند عبارت بود از ادامه مالکیت دولتی و لسی با مدیریت بهتر ، عبارت " خط مشی صنعتی " که معمولاً " واژه رمزی برای سوسیدهای بیشتر بود ، متداول شد . در این اوضاع و احوال ، دولت های لهستان تاکنون ثابت کرده اند که در اجرای هر سیاست باید از بیش از اندازه مردم یا در واقع ضعیف هستند . اگرچه دولت مرکزی می توانست اصلاحات پولی را آغاز و فرصتهایی را برای بخش خصوصی ایجاد کند ، ولی تاکنون هیچ اقدام مؤثری در جهت اصلاح شرکت های دولتی انجام نداده است .

واقعیت این است ، که وزارت خصوصی سازی سهام تعدادی از شرکت های بزرگ دولتی را در بازار بورس نو بنیاد لهستان عرضه کرده است . اساساً ، دولت امیدوار بود که با این کار بتواند شیوه اصلی خصوصی سازی را پایه گذاری کند . ولی نتیجه کار یکدست از کنار درنیامد . از نخستین ۵ شرکتی که سهامشان با

غیرسودآور را جذب می‌کند .

خطر برای بانکها

فرض کنید که حتی این شیوه عملی نباشد . افراد بدبین از این نگرانند که آن عسده از شرکتهای دولتی که از بین نمی‌روند ممکن است آسیب شدیدی به اصلاحات اقتصادی و سیاست استان وارد کند . به گفته آنها ، شکست بانکها یک فاجعه است . بانکها ، در نبود روشهای رسمی ورشکستگی ، انتظار دارند که دولت شرکتهای جذب نشده را حمایت کند ، و تاکنون دست کم دولت به طور کلی آماده این کار بوده است . در نتیجه ، ۹ بانک بازرگانی بزرگ لهستان ، که خارج از سیستم بانکی کمونیستی ایجاد شده بود متحمل بخش بزرگ و نگران کننده بدهیهای نامطلوب هستند . در برآورد یکی از حسابرسیهای اخیر آمده است که بین یک پنجم و یک سوم از داراییهای آنها احتمالاً بی ارزش است .

واقعیت این است که ارزیابی این چیزها دشوار است و در حسابرسی مزبور که بوسیله یک شرکت غربی انجام شده ممکن است تواناییهای پنهان برخی شرکتهای دولتی کم برآورد شده باشد . بررسی بانک جهانی که در ژانویه ۱۹۹۳ منتشر شد نشان می‌دهد که وضعیت بسیاری از شرکتهای دولتی بهتر از آن است که تصور می‌شد . حتی ظاهراً ، آنهايي که مشکل داشتند ، سخت تلاش می‌کنند تا موقعیتشان بهتر شود . هیچ‌کس واقعا نمی‌داند که اوضاع تا چه اندازه خوب یا بد است مگر اینکه روشهای جدید ورشکستگی اعمال شود . ولی شرایط پیچیده‌ای که نخستین مرحله اصلاحات لهستان در آن انجام شد ممکن است بار دیگر به کشور بازگردد . صنایع دولتی ، که تقریباً هیچ کمکی به رشد این کشور نکردند و از لحاظ سیاسی به اصلاحات نیز صدمه وارد آوردند ، ممکن است در صورتی که عسده موفقیتشان موجب تضعیف کل سیستم بانکی شود تمام پروژه اصلاحات را به نابودی بکشند .

درسهایی برای دیگران

تجربه لهستان برای سایرین بویژه اوکراین ، در همسایگی آن ، درسهایی به همراه دارد . تصمیمگیری در مورد بخش دولتی از طرف هر دولت بعد از کمونیست دشوار است ، چه رسد به یک تصمیم دموکراتیک جدی . خصوصی سازی اداره شده از مرکز ، آهسته پیش می‌رود (اگر چه ممکن است فساد کمتری داشته باشد) . از لحاظ اخلاقی ، تا حد ممکن باید قدرت تصمیمگیری به جای دولت مرکزی به عهده دولتهای محلی واگذار شود .

درس دوم و مستمر این است که باید در مسیر جریان آب حرکت کرد . اگر سیاست باعسث دشواری دستیابی به اصلاحات بخش دولتی شود ، در حالی که برای بخش خصوصی عبور از پیچ و خمهای قانون آسان است ، پس استعداد و قوه ابتکار بخش خصوصی را به عنوان راهی مفید برای مشکلات دولت باید پذیرفت . تنبیه شبه جنایتکارانی که مینای طبقه سرمایه‌داری اوکراین را شکل دادند به اجرای اصلاحات کمک نمی‌کند . به جای آن ، باید فضای باز بازرگانی برقرار شود ، اگر چه همان طور که سیاستمداران فکری کنند قبول آن دشوار است . تعرفه‌ها و مالیاتهای کم ، سریعتر از حمایت از بخش دولتی و کارکنان آن منجر به رشد خواهد شد .

پس با شرکتهای دولتی چه باید کرد ؟ این پاسخ که آنها را باید فروخت ممکن است نادرست باشد . همان طور که لهستانها متوجه شدند ، این نوع خصوصی سازی لزوماً شرکتهای فقیر را درمان نمی‌کند . راه عاقلانه این است که ، در صورتی که اجرای اصلاحات از لحاظ سیاسی و یا تجدید ساختار شرکتی دشوار باشد ، به این شرکتها اجازه داده شود تا فعالیت خود را قطع کنند ، به کارکنان خود مزایای بیکاری بپردازند و داراییهای فیزیکی را به تدریج بفروشند ، به طوری که مالکان جدید بتوانند از صفر شروع

کنند .

البته این رشته اقدامات درآمد بانکهای سرمایه‌گذاری غربی و مشاوران را کاهش خواهد داد . و در بسیاری این نتیجه را بد نمی‌دانند .

مأخذ : نشریه اکونومیست ، ژانویه ۱۹۹۳

بی‌نوشت :

- 1-Proportional Representation
- 2-Fixed Exchange Rate
- 3-Wage Indexation